

ارزش‌های سیاسی

دکتر محمد سلیم العوا، به سال ۱۹۴۲م در قاهره دیده به جهان گشود. قانون تطبیقی از دانشگاه لندن دکتری گرفت و در بخش وکالت و قضاوت کار کرد. مدتی در سه دانشگاه نیجریه، یعنی دانشگاههای «زقازین»، «ملک» و «احمد ویللو» به تدریس پرداخت و مدتی نیز رایزن دفتر پرورش حرفه‌ای حاشیه خلیج فارس شد.

عوا مقالات و کتاب‌های فراوانی به زبان انگلیسی و عربی نگاشته است. عمده او به این شرح است: «فی النظام السياسي للدولة الاسلامیة» و «النظام الجنائی الاسلامی»، «تفسیر النصوص الجنائیة»، «الاقیاط و الریاضة»، «البعث بالاسلام فی حرب الخلیج»، «الفقه الاسلامی فی طریق التمسک بالقواعد الجنائیة فی الفقه الاسلامی»، و «بین الاجتهاد والتقلید». گاهی به عناوین کتاب‌های مهم او نشان از آن دارد که وی به نظام حکومت اسلامی، اجتهاد پویا و نو سازی اسلام همت می‌گمارد. عوا، در آغاز سخن خود درباره نظام سیاسی در اسلام، به دو نکته اشاره نخست اینکه اسلام، به عنوان دینی الهی، پیام آور نظام حکومتی متعین و مشخص نیست؛ و بدین معنا که از جولانگاه، حدود و ثغور «نظام سیاسی» سخن نگفته به دیگر سخن اسلام (شریعت اسلامی) همانا وحی الهی (قرآن) و سخن رسول اعظم (ص) است (سخنان رسول خدا یا وحی است که روح القدس در پیامبر دریا یا تعبیر و بیان رسول اکرم است که از جانب خدا آمده است). در سوی دیگر، «اسلامی» قرار دارد که بیان بشری فهم قرآن و سخنان نبی است. فقه سابق مشروعی است که در میان مسلمانان و در سرزمین‌های اسلامی پیاده می‌شود و تنوع فراوانی برخوردار است.

این دیدگاه‌های متنوع در باب سیاست را می‌توان در کتب سلف یافت نوشته‌هایی چون کتاب قاضی ابوالحسن ماوردی شافعی (الاحکام السلطانیة للولایات الدینیة)، قاضی ابویعلی حنبلی (الاحکام السلطانیة)، امام الحرمین جوینی (غیاث الامم بالثیاب الظلم)، امام بدر الدین بن جماعة شافعی (تحفه الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام) و... وجه مشترک این کتاب‌ها در نگاه عوا، توصیفی آنهاست. فقها و نویسندگان، بنا بر آنچه در عصر خویش دیده‌اند، در دوران‌های گذشته دریافته‌اند، به تبیین نظری مسائل کلان و بنیادهای نظام سیاسی در اسلام پرداخته‌اند. اهتمام به این مسایل را حتی می‌توان در کتاب‌های فقهی دیگر یافت. شاید بتوان گفت، هیچ یک از کتب فقهی سلف، دست کم از یادآوری صفات خلیفه یا حاکم اسلامی و ضرورت طاعت و همیاری وی توسط مسلمانان، پایداری او در این مهم تهی نیستند. اشخاص اندکی چون امام الحرمین جوینی، بی‌ارائه ارکان نظری و شایسته نظام سیاسی اسلام بوده، و به تبیین نظری صفات خلیفه، امام و حاکم بسنده نکرده است.

دکتر محمد سلیم العوا به جای پرداختن به خرد و کلان صفات حاکمان اسلامی به تبیین ارزش‌های سیاسی اسلام همت می‌گمارد؛ یعنی سخن گفتن از قواعدی که مصالح عمومی مسلمانان را در نظر بگیرد و برابری میان آنان و غیر مسلمانان ساکن در بلاد اسلامی را تحقق بخشند. وی چهار موضوع را بیش از دیگر موضوعات اساسی می‌پندارد؛ مسئله دین و دولت که کلید بحث موضوع رابطه اسلام و سیاست است؛ ارزش‌های سیاسی اسلام؛ تعدد گرایی سیاسی از دیدگاه اسلام و مسئله مشارکت سیاسی زنان.

۱. دین و دولت

دکتر محمد سلیم عوا، اصطلاح «نظام سیاسی اسلامی» را چندان دقیق نمی‌پندارد، زیرا چنان که گذشت، در نگاه وی چار چوب چنین نظامی در قرآن و سیره نبوی مشخص نشده است. بحث در مورد رابطه دین و دولت، بحث جدیدی است که پس از به حاشیه رفتن شریعت و فقه اسلامی، بر اثر استقرار استعمار حاصل آمد.

جوامع اسلامی آن زمان، از رابطه دین و دولت پرس و جو کردند و نخستین کتاب در این باره به سال ۱۹۲۵ میلادی، توسط علی عبدالرازق به تحریر در آمد. پس از این

۲۵۸۰

ب (الاسلام واصول الحكم) خالد محمد خالد، کتاب دیگری بانام (من هنا تبدأ) است. این دو کتاب جنجال برانگیز، هرگونه پیوند میان دین و دولت را نادرست می‌داند و ریشه‌ها و تأییدیه‌های فراوانی درباره این دو دیدگاه مطرح شدند. علی‌الرأف، امپرس از چندی از موضوع خود کناره گرفت و تا پایان عمر از تأیید یارده گاه مطرح شده خویش در این کتاب ابا کرد؛ ولی سرنوشت کتاب (من هنا تبدأ) هرگز دیگری رقم خورد؛ نویسنده کتاب، خالد محمد خالد سی سال پس از رد مقاله دین و دولت در اسلام، مقاله‌ای در نقض دیدگاه کهن خود با عنوان «الاسلام و دولة» (۱۹۸۰/۷۵) نشریه الاهرام) نگاشت و سپس کتاب (الدولة في الاسلام) به تحریر در آورد. وی شجاعانه از دیدگاه کهن خود کناره گرفت و از پیوند ژرف

دین و دولت سخن گفت. به نظر عوا حال که در منابع اسلامی (قرآن و سنت نبوی)، نظامی به نام نظام اسلامی وجود ندارد و این دو در باب قضاوت، حکومت، عزل و نصب حاکمان و دین و چون و گستره و شرایط این مسایل سخنی نگفته‌اند، راه چاره کدام است؟ با یاری گرفتن از دیدگاه جویی، نظام اسلامی را تنها در یک محمل صادق می‌بیند و آن، وجوب اجتهاد علمای وارسته و اهل حل و عقد و نظر در مسایل اساسی و قوای سه گانه دولت است. البته این اجتهاد در جایی باید جریان یابد که تمام دیدگاهی ندارد و از حلیت، حرمت و وجوب و نحوه عمل سخنی نگفته باشد؛ ضمیر این صورت درباره معاملات، جرایم، عقوبات، ازدواج، طلاق، وصیت و غیره است. «دولت» همان «شریعت اسلامی» است که تصویری قطعی دارد. بدین سان، ظهور از عبارت اسلام «دین و دولت» است، همان پذیرش مرجعیت عام اسلامی است که بر تعدد آراء و تنوع دیدگاه‌های سیاسی و غیر سیاسی صحنه می‌گذارد؛ از دیدگاه، مسلمانان در دام جدایی دین و سیاست گرفتار نخواهند آمد، زیرا این

جدایی نه به لحاظ نظری و نه عملی، با معنای «دین» موافقت ندارد. هم چنین باید دانست که باب اختلاف نظر و اجتهاد درباره نظام سیاسی اسلامی از آنست و می‌توان درباره شاخ و برگ و فروع این نظام گفت و گو، بحث و مجادله کرد. از دیگر سو، نظام سیاسی اسلامی مفهوم کهن خلافت را که این روزها بسیاری این دو را یکسان می‌بینند، در بر نمی‌گیرد. خلافت چیزی فراتر از رهبری لازم مسلمانان نبود و فقط و مفهوم خلافت حتی در صدر اسلام، دستخوش تغییرات

آوانی شده بود. دین و دنیا، شمردن اسلام، بدین معناست که اسلام، از رهگذر شریعت و فقه، به نسیم زندگی و روابط میان مسلمانان یا خدای خالق پرداخته است. آنان که از «دور» دین از سیاست و سیاست از دین «دم می‌زنند، در پی دور کردن احکام شریعت از اسلام از بستر زندگی مردم‌اند. این شعار، نه تنها دست آخر به نفی احکام می‌آورد و قطعی الدلالة اسلامی منجر می‌شود، بلکه به دور ساختن مرجعیت اسلامی از زندگی قانونی و سیاسی دامن می‌زند. از این رو حال که اجتهاد، راه آشنایی با اسلام در زندگی سیاسی و قانونی است، بیرون راندن اسلام از دو گستره، به معنای بر جیدن بساط اجتهاد و ابطال تخصص عالمان و مجتهدان صلاح است.

در مسایل و احکام قطعی الورد و الدلالة، حکم خویش را از دو منبع اسلامی کریم و چنانچه یکی از این دو یا هر دو ظنی باشند، حکم را از مجتهدان صالح نخواهیم. آنچه علمای عصرهای گذشته استنباط کرده‌اند، اجتهاد ایشان بوده است و عصر حاضر، اجتهادی پویا و نوین نیاز دارد. شرایطی که علمای سلف یاد دادند (و از آن شمار بقای بر خلافت تا پایان عمر خلیفه)، از هیچ منبعی بیرون نیست است. امروزه نیز پذیرش تعدد کشورهای اسلامی اجتهاد جدیدی است در بر اجتهاد کهن که از ضرورت یک کشور اسلامی یادست کم خلیفه‌ای برای همه

وزهای اسلامی سخن به میان می‌آورد. به گفته عوا، چندی است که فقه سنی در دوره معاصر، اجتهاد متفاوتی با

مادهای کهن داشته است؛ فقه شیعی این راه را پیش از این طی کرده و به هدف

اساسی سیاست و حکومت، یعنی تأمین مصالح امت اسلامی رسیده است. تا پیش از امام خمینی (ره)، بسیاری فقهاء از تحقق حکومت اسلامی در عصر مهدی منتظر سخن می‌گفتند؛ ولی امام با بحث بنیادی خود در (ولایت فقیه) که در حوزه علمیه نجف به سال ۱۹۶۹ م آغازید، چنین فرمود: «نامعقول می‌نماید که مسلمانان از مدت زمان غیبت صغری تا به امروز، بدون حکومت بمانند؟! آیا احکام اسلام را باید تا زمان ظهور معطل کرد؟» امام راحل (ره) در پاسخ می‌فرماید: «به نظر من پذیرش این نظر بسیار بدتر از اعتدایه منسوخ شدن اسلام است». امام خمینی بر پایه این اجتهاد، به ضرورت برپایی حکومت رسید که شریعت را تطبیق دهد؛ حکومتی که ولی فقیه جامع شرایط و عادل آن را رهبری کند. چنان که مسلمانان صدر اسلام از پیامبر اطاعت می‌کردند. بر آنان واجب است که اکنون نیز سخنان او را بشنوند و اطاعت کنند. دولت اسلامی در ایران بر این نظریه پایه ریزی شد و انقلاب اسلامی برپا گشت.

در میان فقه‌های شیعه امامیه، اجتهاد دیگری نیز پدیدار شد که علامه محمد مهدی شمس الدین در کتاب «نظام الحكم و الادارة في الاسلام» بیان داشته است. علامه شمس الدین در این کتاب از ضرورت گشودن باب اجتهاد، بنابر قواعد اجتهاد که در سخنان اهل بیت (ع) آمده است و مطابق قول‌اند عقلی باشد، سخن گفت به نظریه، هر یک از جوامع اسلامی می‌تواند، در چار چوب امت اسلامی واحد، نظام حکومتی ویژه خود را داشته باشد. این تنوع فقهی و دیدگاهی معاصرینا به گفته عوا، برهان قاطعی است، بر آنچه جویی گفته بود. جویی، همه یا بیشتر مسایل سیاسی را از مسایل اجتهادی ظنی بر می‌شمرد؛ از این رو می‌توان به فراخور هر عصر و برای تحقق مصالح آن عصر، دست به اجتهاد زد.

۲. ارزش‌های سیاسی اسلام

اکنون که سیاست مسئله‌ای یکسر اجتهادی است، آیا باید این اجتهاد را به دست آحاد امت اسلامی داد؟ آیا اجتهاد از غایت و ارزش‌های سیاسی برخوردار نیست که مجتهد باید آنها را در نظر داشته باشد و حاکمان و مردمان توأمان بدان ارزش‌ها عمل کنند؟

بی گمان، سکوت متون اسلامی در باب نظام حکومتی خاص و مشخص، ما را بر آن می‌دارد که از اجتهاد نامیدن امر سیاست سخن برانیم. مسئله سیاسی، بیان همه مسایلی که با جوامع انسانی پیوند خورده‌اند، امری ثابت و تغییرناپذیر نیست و حتی چنانچه در عصر رسول اعظم در چار چوب محدود و مشخصی در میان بود، امروزه کارآمد نمی‌تواند و به فراخور زمان و مکان تغییر می‌یافت. این سکوت را نباید تشنگی کاستی رسالت و رسول پنداشت، بلکه رخصت خداوند در این مسئله است که از باب مشروع اجتهاد بهره‌مند شویم و آن را بر پایه فراز و نشیب‌های اجتماعی دگرگون کنیم.

عوارا همکار علامه شمس الدین را مناسب می‌یابد که در آن (ولایت امت) بر خویش باشد و امت اسلامی دست به گریش

زد. قواعدی همچون «الضرورات تبيح المحظورات»

و موجب جلب مصلحت و دفع مفاسد، و مقدم داشتن دفع مفاسد بر جلب مصالح و ضرورت تصرفات امام در راستای تحقق بخشیدن به مصالح عالم مسلمانان، از شمار ارزش های سیاسی این اجتهاد است که در کلام وحی و سیره رسول خدا (ص) آمده است.

مورد دیگر نیز در قرآن کریم و روایات پیامبر اسلام وجود دارند: الف. امر به معروف و نهی از منکر؛ و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند، و آنان همان دستگارانند و شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید؛ به کار پسندیده، فرمان می دهید، و از کار ناپسند باز می دارید و به خدایمان آورید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند، قطعاً بر ایشان بهتر بود، برخی از آنان مومن اند (ولی) بیشترشان نافرمان اند، همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده که (نام) او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند، پیروی می کنند (همان پیامبری که) چیزهای پاکیزه و احلال و چیزهای ناپاک را برایشان حرام می گرداند، و از (دش) آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است، برمی دارد. پس کسانی به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است، پیروی کردند، آنان همان راستکارانند.

ب. شورا؛ پس به (برکت) الهی، با آنان نرمخو (و پرمهر) شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند، پس از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه، و در کار (ها) با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد، و کسانی که (ندای) پروردگارش را پاسخ (مثبت) داده و نماز بر پا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده ایم، اتفاق می کنند.

پ. عدالت؛ و به مال یتیم جز به گونه ای (هر چه) نیکوتر نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد و پیمانه و ترازو را به عدالت تمام ببیند و...، های کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد بر خیزید (و) به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروه شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است،... و البته نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی و آزار و در نیکو کاری و پرهیز کاری بایکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید (نیز نحل ۹۰، ۱۶ و نساء ۵۸).

ت. آزادی انتخاب سیاسی؛ رسول گرامی اسلام می فرماید: «دین نصیحت و پند است. پرسیدند: یا رسول الله! برای که؟ فرمود: برای خدا و کتاب خدا و رسول خدا و امامان مسلمین و عموم مسلمانان. هم چنین حضرت می فرماید: همانا از برترین جهادها، سخن حقی است که نزد سلطان جابر زبان جاری شود.

ث. برابری؛ های مردم پروردگارتان که شمار از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را (نیز) از او آفرید، و از آن روه مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به (نام) او از همدیگر درخواست می کنید، پروا داشته باشید، و زنه از خویشاوندان مبرید که خدا هنوز بر شما نگیان است و های مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا بایکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت از جمندترین شما نزد خدا، پرهیزگارتین شماست؛ بی تردید خداوند دانای آگاه است.

ج. تقوا؛ اگر چه تقوا ارزشی بس والا است و در قرآن و احادیث نبوی فراوانی آمده است؛ اما این ارزش، تأثیری بر تطبیق مبدأ مساوات در زندگی سیاسی و قانونی ندارد. تقوا ارزشی دنیوی نیست. داستان های

که از سیره نبوی در دست است، نشان از آن دارد که آن حضرت در مسایل مدنی و احکام، به همه مسلمانان، بی توجه به میزان تقوای افراد - به یک چشم نظر افکنده است.

با در نظر داشتن این ارزش های ضروری، بر بنیاد آموزه ها و راهنمایی های اسلامی، به تاسیس نظام های سیاسی معاصر مبادرت می ورزیم. مجتهدان ذی صلاح، همانگونه که پیش از این، به استخراج احکام الهی مبادرت ورزیدند، امروزه نیز به فراخور نیازهای عصر، به اجتهاد خواهند پرداخت. از آنجا که صلاح و اصلاح حال است غایت والای ما است، در بر گرفتن پاره ای مبانی و قواعد از کشورهای دیگر هیچ اشکالی نیست. بی شک اشاره دکتر سلیم العوایه فقه و اجتهاد پویاست و نقطه مقابل دیدگاه کسانی است که هرگونه وام ستاندن و گریته برداری از «دیگری» را بر نمی تابند و به حساب خروج از نص می گذارند.

۳. تعدد گرای سیاسی از دیدگاه اسلام
گروه تعدد گرای، پذیرش اختلاف نظر است. اختلاف دیدگاه و نظر را هیچ خردمندی رد نمی کند و در تمامی مسایل سیاسی، اقتصادی، دینی، نژادی و زبانی جاری است. مسئله تفاوت در خلقت از ابداع های ربانی است؛ و او همان کسی است که شمارا از یک تن پدید آورد. پس (برای شما) قرارگاه و محل امانتی (مقرر کرد) بی تردید، ما آیات (خود) را برای مردمی که می فهمند، به روشنی بیان کرده ایم. (نیز آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فاطر).

تعدد گرای (به معنای تفاوت دیدگاه ها) در انواع بشری، گستره انجام واجبات و جایگاه و عملکرد وی وجود دارد. قرآن کریم این دیدگاه را تأیید می کند: «و از نشانه های (قدرت) او آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف زبان های شما و رنگهای شماست. قطعاً در این (امر نیز) برای دانشوران نشانه هایی است» (نیز آیه ۱۳ سوره حجرات).

آیات قرآن کریم، به روشنی از تعدد گرای در همه زمینه ها پرده برمی دارد؛ اما سه عامل مهم وجود دارند که به موجب آنها، مسلمانان اندیشه سیاسی اسلام را در چهره غیر اسلامی اش می بینند:

یکم. بحث و جدل درباره نظام ها و اندیشه اسلامی، همچنان با نوشته های متقدمان گره خورده است. کتاب ها و دیدگاه های سلف تا به امروز اصول اساسی شمرده می شوند و همه پدیده ها را بدانها محک می زنند. این نوشته، در زمان خود ارزش مند و راهگشا بوده اند؛ اما آنها دیدگاه گذشتگان را منعکس می کنند.

دوم. بحث و جدل در نظام ها و اندیشه اسلامی، همچنان گرداگرد رخدادهای تاریخی اسلام (تاریخ مسلمان) دور می زند. آنان که با این تاریخ داد و ستد می کنند، یکی از این دوراه را بر گزیده اند: گزینش بهترین روزها و سال ها و دوره های برابر آن و تعمیم بخشیدن آن دوران روشن، بر سر تا سر تاریخ مسلمانان و علم کردن ضعیف ترین ایام و تاریک ترین دوره ها و از این رو تاریخ گذشته مسلمانان را تاریک و واپس گرانیامند.

سوم. منادیان اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، هنگامی که بر آن می شوند که به تنظیم مسایل سیاسی جامعه مبادرت ورزند، حقایق اسلام را در این باره بیان نمی دارند و از کلنجار رفتن با قضایای سخت سرباز می زنند. آنان تنها خود را منادی اصلاح می نامند و از ایده و عقیده خاصی دفاع نمی کنند؛ به شعار دادن بسنده می کنند و شعارها را در بخش ویژه ای تطبیق نمی دهند تا مردم از هدف و عقیده ایشان اطلاع حاصل کنند. چنین وانمود می کنند که به لحاظ امنیتی، زیر نظر قرار دارند و هیچ حزبی از آنان حمایت نمی کند و به بهانه ترشی می پردازند.

در این سه مسئله باید تأمل کرد؛ چنانچه سنت گرای یکسره یا برخی از آن نادرست باشد، در گستره سیاسی، بی گمان کاملاً نادرست است. دیدگاه های کهن را که اندیشمندان معاصر به کار می گیرند، به هیچ رو سودآور نیستند. از تاریخ می توان عبرت گرفت؛ ولی نمی توان و نباید از آن پیروی کرد و موبه موبه اجرای آن همت گماشت. نیز، بهانه جویی منادیان اصلاح، اگر چه اسلامی است؛ اما سکوت آنان در بسیاری از موارد صحنه نمی گذارد؛ همچنین نباید تهمت سر بسته بودن

۲۵۸۲

شرع اسلام را بپذیرند و برای بی‌ریزی آن اقدام کنند. بدین سان، موضع‌گیری اندیشه سیاسی اسلام نسبت به تعدد گرای سیاسی به تصویر جدیدی نیاز یافت تا اثر گذاری سه مسأله یاد شده بکاهد و اندیشمندان اصلاح طلب در حوزه اسلام به تعدد گرای ستیزی متهم نشوند یا در دام استبداد جدید/کهنی نیفتند که جامعه دین به تن کرده است. دکتر عوا به منادیان اصلاحات سیاسی با ابزار اسلامی هشدار می‌دهد که حقیقت وحشتناک تاریخ حکومت چنین ایده‌هایی را از یاد ببرند که در تاریخ گذشته، با نام دین، بدترین انواع طغیان گری‌ها و ستمگری‌ها را به بار آوردند و با سوء استفاده از نام دین و به کارگیری نصوص صحیح دین به سود خود، چه فاجعه‌ها که نیافریدند و بر دین هر آنچه را که خود خواستند، افزودند و با حرابه و شعار دین، بر خصم خود قایق آمدند.

پرسش سترگی که عوام مطرح می‌کند، این است که نصوص یا اصول اسلامی چه چیزی را بر زندگی سیاسی مردم ملزم می‌کند؟ و مردم را از چه چیزی باز می‌دارد؟ آیا چارچوب و راه‌هایی ارائه کرده‌اند که واجب و حرام زندگی سیاسی را مشخص کرده باشند؟

از نظر عوا، جایگاه این متون و اصول اسلامی چنین است: باید گفت آن چه شریعت اسلامی (منابع و بنیادها) معین کرده است، باید همان را انجام داد و از دایره آن فراتر نرفت. عدم عمل به این اصول و مصادر معصیت است، زیرا امروز زمان شامل آنها نمی‌شود نیز اعمال و عدم انجامشان در گذشته این منابع را از میان نمی‌برد. آن دسته از ارزش‌های سیاسی که بیان شد و در قرآن و سیره نبوی آمده، منابع و اصول اصیل اسلام است. بی‌گمان، بدون پذیرش تعدد گرای سیاسی، بنا کردن جامعه بر بنیاد ارزش‌های راستین اسلام میسر نمی‌شود. این تعدد گرای، از بی‌ریزی ارزش‌های سیاسی اسلامی حمایت و آن‌ها را تضمین می‌کند. در سخن برخی اسلام گرایان، در باب تعدد گرای سیاسی یا تکثر گرای حزبی (که این اصطلاح در جهان عرب بیشتر به کار می‌رود) به دو شبهه بر می‌خوریم که در واقع هیچ تأثیری بر آنچه گفته آمد، ندارند: شبهه نخست، برخی پژوهشگران اسلامی بر آنند که در اسلام هیچ گاه پدیده‌ای به نام تعدد گرای و حزب گرای نبوده است. به نظر عوا، این گفته از حجیت بر خوردار نیست، زیرا دلیلی بر عدم وجودش نیامده است؛ به سخن دیگر، عدم سخن گفتن اسلام از یک پدیده، به یکی از این دو معناست؛ عدم وجود نصی در اصول اسلامی در این باره یا عدم سخن گفتن و انجام مسلمانان در تاریخ اسلامی، به سود یا زیان این پدیده.

سکوت نصوص، چنانچه از مستقلات عقلی (مانند عبادات) نباشد، موجب عدم مشروعیت می‌شود و بی‌شک، تعدد گرای سیاسی از این نوع نیست که عقل از ادراک آن عاجز باشد و مصلحت آن را نداند. هم چنین از شمار عبادات و کفارات نیست که نتوان از گفته اصول و منابع تخطی کرد، بلکه از شمار مسائل متغیر است که عقل بشری می‌تواند، نسبت به آغاز و پایانش نظر دهد. و چنانچه مراد از سکوت نصوص معنای دوم باشد، اگر این را حقیقت تاریخی بر شماریم، دلیلی بر عدم تعدد گرای سیاسی نیست، زیرا سکوت تاریخ، گواه عدم وجود نیست و اباحه یا منع را نمی‌رساند. افزون بر این، تاریخ اسلام شاهد احزاب و فرقه‌های سیاسی فراوانی بوده و اختلاف نظر، همواره وجود داشته است، بلکه پیش از این، صدر اسلام، شاهد ده‌ها مذهب اعتقادی و مدارس فقهی بوده و بی‌شک اختلاف سیاسی بزرگ‌تر از اختلاف‌های فقهی و اعتقادی نیست.

شبهه دوم، قرآن کریم از فرقه گرای و تعدد احزاب به بدی یاد کرده است: «تا کار (دین) شان را میان خود قطعه قطعه کردند (و) دسته دسته شدند (و) هر دسته‌ای به آنچه نزد خودشان بود، دل خوش کردند»، «اما دسته‌های گوناگون» از میان آنها به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند؛ از مشاهده روزی دهشتناک و کسانی که دین خود را برانگیزد ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ گونه مسئول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست. آن گاه به آنچه انجام می‌دادند، آگاهشان خواهد کرد.

در واقع این شبهه، به زعم عوا، بازی با کلمات قرآن مجید است، زیرا قرآن کریم از احزاب به نیکی نیز یاد کرده است: «و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، وئی خود بداند (پیروز است، چرا که) حزب خدا همان پیروز می‌مانند»، «... خدا از ایشان خوشود و آنها از او خوشوند؛ اینانند حزب خدا، آری! حزب خداست که رستگاران‌اند؛ و آن گاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته، مدت درگشان را بهتر حساب کرده‌اند».

بدین سان، استناد به آیاتی که تنها به ذم حزب گرای پرداخته‌اند، یکسره نادرست است و توجیهی برای نفی فرقه گرای و تعدد نیست.

هم چنین علم کردن فرای از آیات قرآن مجید، همچون «این است امت شما که امتی یگانه است»، و استنباط عدم مباح بودن تعدد و تحزب سیاسی در اسلام، چنان که برخی اسلام گرایان معاصر انجام داده‌اند، نادرست است. مراد از این فرای و آیات دیگر، وحدت و یکپارچگی در دین مبین اسلام است که در اخلاص در عبادت نسبت به خداوند متعال تجلی می‌یابد و عدم شریک کردن غیر خدا با او. از این مغالطه‌ها باید دست کشید و آیات حکیم را به گونه‌ای نادرست تفسیر و تاویل نکرد.

اجتهاد پویایی معاصر، باید بدانجا رهنمون شود که احزابی که به خیر و حق دعوت می‌کنند و شکل‌گیری آنها به تحقیق مصالح مسلمانان می‌انجامد، از شمار «اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون» هستند و از دیگر سوء احزابی که بر بنیاد مخالفت با خدا و رسول خدا (ص) علم شده‌اند، از شمار «حزب الشیطان» اند.

برپایی دولتی اسلامی بر اجازه دادن به تشکیل احزاب، نه تنها پسندیده که ضروری است؛ البته چنین دولتی التزام به ارزش‌ها و احکام سیاسی را بر همه احزاب تأکید خواهد کرد و به همه احزاب در راستای تحقق برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در سایه اسلام و برای مسلمانان انجام می‌پذیرند، یاری خواهد رساند.

وجود احزاب سیاسی و آزادی بیان در فضای کنونی، برای همه کشورهای اسلامی ارزشمند و ضروری است؛ از یک سو به پیشرفت یاری می‌رساند و از دیگر سو، از خود کامگی حاکمان خواهد کاست.

فقه قواعد اصولی اسلام، بر پایه «وجوب مقدمه واجب» استوار است و جز با تعدد و حزب گرای واجبی به نام تحقق بخشیدن به مصالح مردم جامعه عمل نمی‌پوشد. منتقد مصالح سیاسی و منطق قواعد فقهی و خوانش صحیح متون دینی و تاریخی شاهدهی آشکار بر ضرورت تعدد گرای سیاسی از منظری اسلامی است.

۴. زنان و مشارکت سیاسی

اختلاف نظر میان اندیشمندان مسلمان در باب زن، جایگاه، شان و مشارکت زنان، برخی صاحب نظران را بر آن داشت تا کتاب‌هایی درباره زن از دیدگاه اسلام (قرآن) احادیث نبوی و تاریخ مسلمانان بنگارند. جز کتاب‌های عوا کتاب‌های زیر را می‌توان نام برد:

قضایا المرأه بین التعالیم الراكدة والواقفة شیخ محمد غزالی.

۲۵۸۴

المرأة بين الفقه والقانون، شيخ مصطفى سباعي، تحرير المرأة في عصر الرسالة، عبدالحليم محمد ابوشقة.

حسن الاسوة فيما ورد عن الرسول في النسوة؛ صديق حسن خان، دكتور محمد سليم عوايا، از روشنتد خواتندن چهار كتاب ياد شده مي افزايد: آنچه جمهور علمای که به کلام شریعت و فقه اسلامی می پردازند، تقریر فرموده اند این است که احکام تشریحی بالجملة و تفصیلاً برای مصالح مردم بیان شده اند؛ این مصالح به پنج مورد کلی اختصاص دارند: جان، عقل، ناموس، مال و دین. البته برخی بزرگان مانع فساد را به این موارد افزوده اند.

از سوی دیگر، علمای اعلام، واجبات را به دو نوع عینی (مانند نماز و روزه) و کفایی (مانند امر به معروف و نهی از منکر) تقسیم کرده اند. بی گمان، مشارکت سیاسی از نوع واجب کفایی است تا بدین واسطه جامعه و فرد، از بدی باز داشته شوند و به خیر و نیکی سوق یابند. از این رو، این بحث را باید در ادله قرآنی و نبوی یافت و از این دو منبع در این باره یاری جست.

آن دسته از آیات قرآن کریم که در آنها امر به معروف و نهی از منکر سخن به میان آمده، میان زن و مرد تفاوت نمی افکنند؛ هو مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و نماز را بر ما می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند، آنان که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. این نص، آشکارا تساوی زن و مرد در امر به معروف و نهی از منکر را اعلام می دارد. در آیات دیگر قرآن کریم، مانند آیات ۳۷ تا ۳۹ سوره شورا، اگر چه لفظ «الذین» آمده است؛ اما به زن و مرد اشاره دارد و استثنایی در کار نیست، زیرا بر مرد و زن واجب است که «و خود را از گناهان بزرگ و زشت کاری ها به دور می دارند» و در کارشان میانشان مشورت کنند، و کسانی که چون ستم بر ایشان رسید، یاری جویند.

احادیث نبوی نیز به مشترک بودن امر به معروف و نهی از منکر میان زن و مرد نظر دارد و الفاظی چون «من (موصول) نه تنها بر مرد که بر زن نیز اشاره می کند. افزون بر این، زنان صنف اسلام، با لشکریان اسلام به همکاری می پرداختند و نه تنها به درمان بیماران و زخمیان لشکر اسلام که به جنگ و کشتن لشکریان کفر همت می گماشتند. در کتب فقهی و اصولی سلف، و به نقل از کتب روایی، زنان مورد مشورت پیامبر اکرم (ص) بوده اند که زنده یاد استاد عبدالحلیم ابوشقه، به سیصد مورد از مشورت با زنان در زمینه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اشاره می کند. تنها بر زنان دو شرط بایسته است: یکی حجاب کامل اسلامی و دیگری عفت و وقاری که از شأن و کرامت زن صیانت کند.

به نگر عوا، هیچ دلیلی بر عدم مشارکت سیاسی زنان و اهمیت وی در کارهای کلان و عام وجود ندارد. وی، احادیثی را که به ظاهر زنان را نکوهش می کنند، مقید می بندد و به نقل از خالد محمد خالد می آورد که این احادیث، متضمن حکم شرعی ویژه ای نیست. به گمان وی و بنابه نقلی که از محمد غزالی می آورد، مسئله، مسئله مردانگی و زنانگی نیست، بلکه حدیث اخلاق پسندیده و توان و مویبت های درونی و استعداد های عملی است که چه بسا در برخی موارد در میان زنان بیش از مردان یافت شود.

امروزه در جهان عرب مسایل شگفت انگیزی در این باره به چشم می خورد. کویت که برای نخستین بار از حق کاندیداتوری زنان در مجلس خبر داد، با مخالفت اندیشمندان، به ویژه اندیشمندان اسلامی رو به روشد. شگفت انگیز تر اینکه جریان «اخوان المسلمین» کویت بر خلاف دیدگاه «اخوان المسلمین» مصر نظر دادند و هیچ حقی برای مشارکت سیاسی زنان قائل نشدند. نویسنده قطر، مصر، الجزایر، اردن، سودان، مالزی، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران را نمونه مناسبی برای مشارکت سیاسی زنان بر می شمارد.

وی هم چنین از اعتراض اندیشمندان اسلامی به موضع گیری حکومت سابق ترکیه نسبت به عدم قبول نماینده با حجاب خانم مروه قاقوچی یاد می کند. اندیشمندان اسلامی، این عملکرد را برای سکولاریزم معادی دین فضاحت بار و ضد حقوق بشر و مخالفت با حقوق شهروندان مسلمان ترکیه اعلام داشتند. عوا، اسلامگرایان را به یاد آیات قرآنی می اندازد که در آنها از یکسان بودن زن و مرد سخن به میان آمده است؛ به گفته او، این اصل را باید در دیدگاه خود نسبت به مسئله مشارکت زنان اتخاذ کرد؛ یعنی آیه نخست سوره نسا و آیه ۱۳ سوره حجرات.

این دو آیه، و آیاتی از این دست، بر یکی بودن اصل بشری تاکید می ورزند که مسایلی چون قاعده مساوات میان مردان و زنان در حقوق و واجبات (جز در جای که نصی بر خلاف این قاعده آمده است) از این آیات استخراج می شود.

پیامبر اکرم (ص) نیز زن و مرد را یکسان می داند؛ کلمات شائق الرجال و مراد از او «شقیق» نظیر، مثل و همانند است و عدم مساوات دلیل قاطع و نص معتبر نیاز دارد.

از آشکارترین گونه های مساوات میان دو جنس زن و مرد، یکسانی این دو در حقوق عام و ادای واجبات است. موضع فقهی سلف نسبت به مشارکت سیاسی زنان، بر اساس تأویل برخی روایات ضعیف السند ارائه شده و سیره رسول اکرم، سرشار از ارج نهادن به زنان است. عوا، در نظر دارد که هیچ مانعی به لحاظ شرع، برای ولایت زن (تصدی مناصب) وجود ندارد و زنان شایسته و درخور مقام و مورد اعتماد مردم (انتخاب کنندگان) می توانند به این مقام ها نایل آیند. وی، فقه شیعی معاصر و علامه محمد مهدی شمس الدین را مثال می زند که در کتاب داهلیه المرأة لتولی السلطة، که پژوهشی تطبیقی میان فقه شیعی و فقه تسنن است و از دیدگاه روایی و علم درایت بدان پرداخته شده، از این مسئله سخن به میان آورده و به جواز تصدی

پست های دولتی توسط زنان رسیده است. دکتر عوا، آیاتی را که عده ای نشانگر عدم تولی ریاست توسط زنان است، دلیلی بر این نظرگاه نمی بیند و سیاق و مدلول آیات را با توجه به قبل و بعد آنها، در مسایلی غیر حق عدم مشارکت زنان می بیند.

زنان و مردان، بنابه قرآن در خلقت، حقوق و واجبات برابرند. روایات نیز به این برابری اشاره می کنند؛ از این رو زنان می توانند (جز در مورد منع شده و با دلیل قاطع) دوشادوش مردان به مشارکت در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بپردازند.

پی نوشت ها:

- آیات واحادیثی که ترجمه آنها در متن این نوشتار آمده، به ترتیب عبارتند: آل عمران ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳؛ ولکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون.
- آل عمران ۱۱۳؛ کنتم خیرا مة اخرجت للناس تأمرن بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله و لولم یر اهل الکتاب لکان خیرا منهم المؤمنون و اکثرهم الفاسقون.
- اعراف ۱۵۷؛ الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذى یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراة و الانجیل یا مرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یرض عنهم اصهرهم و الاغلال التى کانت علیهم فالذین آمنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا التور الذى انزل معه اولئک هم المفلحون.
- آل عمران ۱۵۹؛ فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فتقا غلیظ القلب لا نفضوا من حولک فانفع عنهم و استغفر لهم و ما ورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین.
- شورا ۳۴؛ و الذین استجابوا للربهم و أقاموا الصلاة و امرهم شوری بینهم و معارفناهم یتفقون.
- انعام ۱۵۲؛ و لا تقر بوا مال الیتیم الا بالی حق حتى یتبع اشد و اوفوا الکیل و میزان بالقسط... مانده ۱۵۸؛ یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهیدا بالقسط و لا یجرمنکم شأن قوم علی الا تعدلوا عدلوا هو اقرب للنفی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون.
- مانده ۲۱۵؛ و لا یجرمنکم شأن قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام... و معارفوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العداوة و اتقوا الله ان الله شدید العقاب.
- صحیح مسلم ۳۷۷۵؛ قال الرسول حق: الذین الصبیحة. قلنا: لمن؟ قال: لله و لکتابه و لرسوله و لامة المسلمین و عامتهم.
- سنن الترمذی ۲۲۶۵؛ ان من اعظم الجهاد کلمة عدل عند امام جائز.
- نسا ۱۲؛ یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بیت منها رجلا کثیرا و نسا و اتقوا الله الذی تسألون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا.
- حجرات ۱۳؛ یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثى و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر.
- انعام ۹۸؛ و هو الذی انشاکم من نفس واحدة فستقر و مستودع قد فصلنا الایات لقوم یفقهون.
- روم ۲۴؛ و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف السنک و الوانکم ان فی ذلک لآیات للمالین.
- مومنون ۵۲؛ تقطعو امرهم بینهم زیرا کل حزب بما لديهم فرحون.
- مریم ۳؛ و اختلاف الاحزاب من بینهم فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم.
- انعام ۱۵۹؛ ان الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا علیت منهم فی شیء.
- مانده ۵۶؛ و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون.
- مجادله ۳؛ اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون.
- کهف ۱۲؛ ثم یبشاهم لتعلم ای الحزبین احصى لمانبوا امرأ.
- انبیا ۱۲؛ ان هذه امتکم امة واحدة و انارکم فاعبدون.
- توبه ۱۷؛ و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیا بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یتیمون الله و رسوله اولئک سیر محهم الله ان الله عزیز حکیم نیز آیات ۱۰۳ و ۱۱۰ آل عمران، و شورا ۳۹؛ و الذین یحنبون کبار الاثم و الفواحش... و امرهم شوری بینهم... و الذین اذا اصابهم البئی هم یتنصرون.

۲۸۱۴